

بادگیر شاهکار معماری ایرانی برای شباه با گرمای کریر



می‌کند. از طرف دیگر، بادگیرها می‌توانستند از اختلاف فشار ناشی از وزش باد و همچنین اختلاف دمای هوای داخل و بیرون برای ایجاد جریان طبیعی استفاده کنند. پژوهش‌های جدید نیز همین دو نیروی اصلی، یعنی

در بخش بزرگی از ایران، تابستان همیشه با گرمای شدید و هوای خشک همراه بوده است؛ اما زندگی در این اقلیم لزوماً به معنای تحمل گرما در فضای خانه نبود. پیش از برق و موتور و کولر، معماران ایرانی سازه‌ای را بر فراز خانه‌ها می‌ساختند که می‌توانست هوا را به داخل بکشاند، هوای گرم را بیرون ببرد و در بعضی بناها حتی با کمک آب، هوای ورودی را خنک‌تر کند. بادگیر فقط یک عنصر تزئینی در معماری سنتی نبود؛ یک سامانه تهویه طبیعی بود که بدون مصرف انرژی مکانیکی کار می‌کرد.

امروز اگر نام بادگیر را بشنویم، احتمالاً نخستین تصویر، همان برج‌های باریک و بلندی است که بر بام خانه‌های یزد دیده می‌شوند؛ اما پشت این ظاهر ساده، مجموعه‌ای از اصول فیزیک جریان هوا، اختلاف فشار و انتقال حرارت قرار دارد.

بادگیر در ساده‌ترین تعریف، یک برج عمودی با دهانه‌هایی در قسمت بالاست. این دهانه‌ها برای دریافت جریان هوایی که در ارتفاع بالاتر از سطح زمین حرکت می‌کند طراحی شده‌اند. هوا پس از ورود به کانال داخلی بادگیر، به سمت فضای داخل ساختمان هدایت می‌شود. شکل، ارتفاع، تعداد دهانه‌ها و جهت قرارگیری بادگیر نیز تصادفی نیست و با شرایط اقلیمی و جهت باد غالب هر منطقه شاید پیرسید اگر بادگیر فقط هوا را وارد خانه می‌کرد، چرا باید آن هوا خنک‌تر احساس می‌شد؟

بخشی از پاسخ به خود حرکت هوا مربوط است. جریان هوا باعث افزایش جابه‌جایی گرما از سطح پوست می‌شود و حتی اگر دمای واقعی اتاق چندان تغییر نکرده باشد، بدن انسان احساس خنکی بیشتری

فشار ناشی از باد و نیروی شناوری ناشی از اختلاف دما، را از عوامل مؤثر در عملکرد بادگیر می‌دانند. شاهکار ماجرا زمانی اتفاق می‌افتاد که بادگیر به آب دسترسی داشت. در برخی خانه‌ها و بناهای مناطق گرم و خشک، هوای عبوری از بادگیر با حوض، آبراه یا فضای مرطوب در ارتباط بود. تبخیر آب برای انجام شدن به انرژی نیاز دارد و بخشی از این انرژی را از محیط اطراف می‌گیرد؛ در نتیجه، دمای هوا می‌تواند کاهش پیدا کند و هوایی خنک‌تر وارد فضای داخلی شود.

اینجاست که قنات و بادگیر می‌توانستند در کنار

یکدیگر قرار بگیرند: یکی آب را به شهر و خانه می‌رساند و دیگری از جریان هوا برای تهویه و خنک‌سازی استفاده می‌کرد. دانشنامه ایرانیکا نیز توضیح می‌دهد که بادگیرها در برخی بناها، از جمله آب‌انبارها،

برای خنک‌کردن آب از طریق تبخیر به کار می‌رفتند. باغ دولت‌آباد یزد نمونه مشهور این ترکیب است. بادگیر ۳۳۸ متری این مجموعه، که از شاخص‌ترین نمونه‌های بادگیرهای تاریخی ایران است، با فضای آبی داخل بنا ارتباط داشته و جریان هوا را به فضای داخلی هدایت می‌کرد.

بادگیر ایرانی یک نسخه ثابت و یکسان نبود. در بعضی مناطق، بادگیر یک‌طرفه بود؛ در مناطقی که باد از جهت‌های مختلف می‌وزید، نمونه‌های چندطرفه ساخته می‌شدند. حتی درون برخی بادگیرها، تیغه‌هایی قرار می‌گرفت که کانال‌های جداگانه‌ای برای ورود

و خروج هوا ایجاد می‌کردند. پژوهش‌های معماری نشان می‌دهد که شکل مقطع، ارتفاع، جهت دهانه‌ها و تقسیمات داخلی، همگی بر عملکرد بادگیر اثر دارند. به همین دلیل است که بادگیرهای یزد، کرمان، کاشان یا مناطق جنوبی ایران الزاماً شبیه هم نیستند. معمار قرار نبود یک «برج زیبا» روی پشت‌بام بسازد؛ باید سازه را با باد، دما، رطوبت و فرم ساختمان هماهنگ می‌کرد.

بادگیر واقعا جای کولر را می‌گرفت؟

نه به معنای امروزی آن. بادگیر نمی‌توانست مانند یک کولر گازی دمای اتاق را به هر عددی که بخواهیم برساند. عملکرد آن به عواملی مانند سرعت و جهت باد، دمای بیرون، رطوبت، طراحی ساختمان و حتی موقعیت بادگیر وابسته بود. پژوهش‌های آزمایشگاهی و شبیه‌سازی نیز نشان می‌دهند که عملکرد بادگیر به شکل و هندسه آن و شرایط محیطی وابستگی زیادی دارد. بادگیر قرار نبود با برق، گرما را از خانه بیرون بکشد؛ قرار بود از خود اقلیم برای کاهش اثر گرما استفاده کند. این ایده حتی امروز هم صرفاً یک یادگار معماری نیست. پژوهش‌های جدید در حال بررسی استفاده دوباره از بادگیر در ساختمان‌های معاصر هستند. یک مطالعه منتشرشده در سال ۲۰۲۵، عملکرد چند نمونه بادگیر سنتی را شبیه‌سازی کرده و نشان داده است که ترکیب بادگیر با سرمایش تبخیری می‌تواند ظرفیت سرمایشی قابل‌توجهی ایجاد کند.

شاید راز ماندگاری بادگیر همین باشد که ایرانیان کوبر به جای جنگیدن با گرما، راهی برای همکاری با باد، سایه، آب و معماری پیدا کرده بودند. خانه قرار نبود در برابر اقلیم بسته شود؛ خودش بخشی از سامانه خنک‌کننده بود.

پاسخ علامه طباطبایی به یک شبهه قدیمی

آیا توسل به پیامبر و اهل‌بیت(ع) شرک است؟

شود یا خود آن شخص و عمل را به عنوان معبود قرار دهد.

۲. شفاعت‌خواهی با عبادت غیر خدا یکسان نیست

دومین نکته مورد تأکید علامه، تفاوت اساسی میان «پرستش غیر خدا برای جلب شفاعت» و «پرستش خدا و قرار دادن اولیای الهی به‌عنوان شفیع» است. در حالت نخست، شخص برای غیر خدا جایگاه استثنائی قائل شده و عبادت خود را متوجه او می‌کند؛ اما در حالت دوم، خداوند همچنان تنها معبود است و فرد، دیگری را صرفاً وسیله یا شفیع نزد خداوند قرار می‌دهد. علامه طباطبایی معتقد است قرآن کریم مشرکان را به این دلیل مورد نکوهش قرار می‌دهد که می‌گفتند: «مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» یعنی ما آنان را می‌پرستیم تا ما را به خدا نزدیک کنند. از نگاه این استدلال، مسئله اصلی در اینجا عبادت غیر خدا است، نه صرفاً وجود واسطه یا درخواست شفاعت. اگر آنان می‌گفتند ما فقط خدا را عبادت می‌کنیم و از پیامبران، فرشتگان یا

برخی بر این باورند که توسل به پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع)، قرار دادن آنان به‌عنوان شفیع در دعا، زیارت قبور آنان، بوسیدن ضریح و تبرک جستن به تربتشان، می‌تواند مصداق شرکی باشد که در آموزه‌های دینی از آن نهی شده است. استدلال این دیدگاه آن است که چنین رفتارهایی نوعی اثرگذاری برای غیر خدا قائل شدن است و در نتیجه، با توحید منافات دارد. از این منظر، تفاوتی میان توسل به پیامبر یا ولی خدا و توسل به بت وجود ندارد؛ زیرا بت‌پرستان نیز مدعی بودند که بت‌ها واسطه و شفیع آنان نزد خدا هستند. علامه طباطبایی در پاسخ به این شبهه، بر چند نکته اساسی تأکید می‌کند.

۱. نفی تأثیر مستقل، به معنای نفی همه اسباب و واسطه‌ها نیست

به باور علامه طباطبایی، نخستین نکته‌ای که در این شبهه مورد غفلت قرار گرفته، تفاوت میان «تأثیر» و «تأثیر مستقل» است. اصل وجود تأثیر در موجودات، چه در امور مادی و چه در امور معنوی، قابل انکار نیست؛ زیرا اگر هرگونه تأثیرگذاری از غیر خدا نفی شود، اصل رابطه علت و معلول نیز زیر سؤال می‌رود. از نگاه توحیدی، آنچه از غیر خدا نفی می‌شود، استقلال در تأثیر است، نه اصل تأثیرگذاری. یک موحد می‌داند که خداوند آفریننده همه موجودات و آثار آنهاست، اما در عین حال آثار طبیعی موجودات را نیز انکار نمی‌کند. برای مثال، سردی هندوانه، گرمی عسل یا حرارت آتش، همگی آثاری هستند که خداوند در این موجودات قرار داده است. بنابراین، اگر خداوند به یک موجود طبیعی خاصیتی بخشیده است، دلیلی وجود ندارد که اعطای برخی آثار و مقامات معنوی به اولیای الهی محال باشد؛ از جمله مقام شفاعت، وساطت در آمزش یا حتی قرار دادن اثری خاص در تربت آنان. بر همین اساس، کسانی که به اولیای الهی متوسل می‌شوند، لزوماً برای آنان استقلال در برابر خدا قائل نیستند. آنان به آیاتی استناد می‌کنند که اصل شفاعت را با اذن و رضایت الهی مطرح کرده است؛ از جمله: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَى» یعنی آنان جز برای کسی که خدا از او خشنود باشد، شفاعت نمی‌کنند. همچنین قرآن کریم از یاری خداوند نسبت به پیامبران و مؤمنان سخن می‌گوید. از این منظر، اگر فردی پیامبر(ص) یا اولیای الهی را در دعا وسیله قرار می‌دهد، مقصود او مستقل دانستن آنان در برابر خدا نیست؛ بلکه آنان را واسطه‌ای در مسیر تقرب به خدا می‌داند. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» بر اساس این آیه، اصل جست‌وجوی وسیله برای تقرب به خداوند مطرح شده است. بنابراین، محبت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)، بزرگداشت آنان و استفاده از این محبت در مسیر تقرب به خدا، در صورتی که با اعتقاد به استقلال آنان همراه نباشد، با توحید منافاتی ندارد. علامه طباطبایی بر همین اساس تصریح می‌کند که توسل، زمانی از مسیر توحید خارج می‌شود که شخص برای غیر خدا استقلال در تأثیر قائل

اولیای الهی می‌خواهیم که به اذن خدا برای ما شفاعت کنند، موضوع متفاوت بود. همچنین اگر می‌گفتند اولیای الهی را وسیله‌ای برای تقرب به خدا قرار می‌دهیم، شاعران الهی را بزرگ می‌شماریم و آنان را به دلیل جایگاه الهی‌شان دوست داریم، این امر به‌خودی‌خود به معنای شرک نبود. علامه طباطبایی برای روشن‌تر شدن بحث، مسئله حجرالاسود و کعبه را نیز مطرح می‌کند. در اسلام، بوسیدن و لمس حجرالاسود و طواف گرد کعبه از اعمال شناخته‌شده عبادی است؛ اما مسلمانان کعبه یا حجرالاسود را «معبود» خود نمی‌دانند. مسلمان خدا را عبادت می‌کند و کعبه جهت و محور عبادت اوست، نه معبودش.

بر این اساس، پرشش علامه این است که اگر تعظیم یک موجود، بدون اعتقاد به استقلال آن موجود در تأثیر و بدون قصد عبادت او انجام شود، چرا باید ذاتاً شرک تلقی شود؟ همین مسئله درباره احترام به پیامبر(ص)، محبت اهل‌بیت(ع)، زیارت قبور اولیای الهی و تعظیم آثار آنان نیز مطرح می‌شود. اگر این اعمال با نیت عبادت آنان یا اعتقاد به استقلالشان در برابر خدا انجام نشود، نمی‌توان صرف تعظیم و توسل را مساوی با پرستش دانست.

منبع: نشر معارف اهل‌بیت(ع)

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ثبتی ۲۰۲۰۰ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۰ تبریز بنام علیرضا بهاری چوپانلار مساحت ۱۰۰۰ متر مربع در مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۳ روز یک شنبه راس ساعت ۷ صبح مطابق بند ۴ ماده ۱۴ قانون ثبت شروع و به عمل خواهد آمد. بدینوسیله به کلیه، صاحبان، مجاورین و صاحبان حقوق ارفاقی اخطار می‌گردد تا در موقع تعیین شده حضور به هم رسانند اعتراض مجاورین و صاحبان حقوق ارفاقی که در موعد مقرر در محل حاضر نباشند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت تا ۳۰ روز از تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و مطابق ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و برگ رسید آن را به این اداره تسلیم نمایند، در غیر اینصورت متقاضی ثبت و یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. اداره ثبت بدون توجه به، اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

علی رستمی رئیس اداره ثبت اسنادو املاک غرب تبریز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۶/۰۳۴۱۵۰۶۰۳۱۳۰۰۴۰۶۰۳۱۳۰۰۴۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میاندوآب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای موسی حسینقلی پور فرزند عیسی بشماره شناسنامه ۳۲۳۱ صادره از ایران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۲۱۸۹۱،۳۴ متر مربع که برای آن پلاک ۱۸۵۴ فرعی از ۸۰ اصلی بخش ۱۵ اختصاص یافته که واقع در باروق خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۲-برابرای شماره ۱۴۰۵/۰۶/۰۳۴۱۵۰۶۰۳۱۳۰۰۴۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میاندوآب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای موسی حسینقلی پور فرزند عیسی بشماره شناسنامه ۳۲۳۱ صادره ازایران در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۳۳،۶۴مترمربع که برای آن پلاک ۱۸۵۵فرعی از ۸۰اصلی بخش ۱۵ اختصاص یافته که واقع در باروق خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهد شد م. الف ۲۰ شناسه آگهی:۱۲۴۵۲۲۰ تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ رونوشت به شورای روستا جهت تصدیق الصاق آگهی در محل

بابک یوسفی- رئیس ثبت اسناد و املاک